

همه کودکان با استعدادند

17 اردیبهشت 1401

این روزها، روزهای امتحانات است. از امتحانات پایان ترم [دانش‌آموزان](#) در مقاطع مختلف تا امتحان آمادگی برای شرکت در آزمون مدارس تیزهوشان تا کنکور! از سوی دیگر نزدیک تابستان است و والدین لیست بلندبالایی از کلاس‌های مهارت آموزشی برای افزایش هوش فرزندانشان از روبیک تا چرتکه و... را در لیست دارند. این روزها خیلی از والدین فرزندانشان را برای انجام تست‌های هوش به مراکز می‌برند. برخی از مهدهای کودک و پیش دبستانی‌ها مدعی بالا بردن هوش و توانایی بچه‌ها هستند و... این روزها انگار هر بچه‌ای که هنوز به دنیا نیامده در یک رقابت برای هرچه باهوش‌تر بودن در ذهن والدینش گیر افتاده است. اما اگر از بسیاری والدین بپرسید منظور از [هوش](#) چیست جواب روشنی ندارند آنها فقط می‌خواهند فرزندانشان باهوشی داشته باشند! خیلی‌ها تلاش می‌کنند فرزندانشان را باهوش کنند!

اگر شما یکی از والدینی هستید که در این دام گرفتار شده‌اید بد نیست این سلسله یادداشت‌ها را دنبال کنید چون بیش از هر چیز متوجه خواهید شد آنچه عموم مردم از هوش می‌شناسند صرفاً یک قابلیت ذهنی در افراد است که IQ یا ضریب هوشی نام دارد و اغلب مردم هوش تحصیلی را به‌عنوان تنها هوش و قابلیت فردی می‌شناسند. این ضریب هوشی در هر فرد گرچه قابلیت بروز یا بلااستفاده ماندن دارد اما قابل دستکاری نیست؛ یک توانایی بالقوه عقلانی است که افراد با آن زاده می‌شوند. اما نکته مهم این است که هوش به معنای وسیع آن در سال‌های اخیر تعاریف متفاوتی پیدا کرده است مثلاً هوش هیجانی یکی از مواردی است که این روزها درباره آن بسیار بحث می‌شود یا یکی از پرکاربردترین این دیدگاه‌ها در حوزه آموزش این روزها، نظریه هوش چندگانه‌ای است که توسط هاوارد گاردنر، روانشناس دانشگاه هاوارد، ارائه شده است و به‌عنوان هوش 8گانه (9گانه هم معرفی شده) گاردنر شناخته می‌شود. انواع هوشی که او معرفی کرده در آزمون‌های معمولی تست که در بازار روان سنجی در دسترس است قابل اندازه‌گیری نیست و بیشتر یک مربی به‌صورت شهودی می‌تواند به کشف آن در کودکان دست پیدا کند. در واقع براساس این نظر تمام قابلیت‌ها و استعدادها یک فرد به ضریب هوشی محدود نیست که بیشتر هوش ریاضی و منطقی را می‌سنجد بلکه هر فرد در یک یا چند بعد هوشی که او معرفی کرده دارای استعداد و قابلیت نسبتاً ذاتی است که در صورت شناسایی می‌توان آن را تقویت کرد. طبق نظریه گاردنر، هوش موسیقایی، هوش درون‌فردی، هوش برون‌فردی، هوش تصویری-فضایی، هوش جسمی-حرکتی، هوش کلامی-زبانی و هوش طبیعت‌گرا در کودکان قابل شناسایی است که بعدها هوش هستی‌گرا را نیز به آن اضافه کرد. شاید این نظریه او تعاریف ذهنی ما را از هوش بهم بریزد و بیشتر حوزه استعدادیابی را دربرگیرد اما واقعیت این است که همه کودکان شاید باهوش به معنای متداول آن نباشند کما اینکه 70 درصد جمعیت یک کشور را افرادی با هوش نرمال تشکیل می‌دهند که معمولاً 100 در نظر گرفته می‌شود و شمار کسانی که هوشی بالای 130 یا مانند انیشتین هوشی نزدیک به 180 داشته باشند، نادر هستند. موضوع مهم‌تر این است که همه کودکان با استعدادند. استعداد چیزی است که در کنار پشتکار می‌تواند تضمین‌کننده موفقیت کودک شما در آینده باشد نه تلاش برای پنهان شدن پشت یک توانایی ذاتی که درصد کمی از افراد می‌توانند دارای آن باشند اما امروزه [کودکان ایرانی](#) زیر فشار تحمیل این عنوان «باهوش» استعدادهایشان و یک آینده ناب از بین می‌رود!

استعدادیابی و تقویت استعداد بازه‌های طلایی دارد و اگر والدین از آن غافل شوند و تمام تمرکز خود را بر پیشرفت تحصیلی فرزندانشان بگذارند چه بسا آن بازه طلایی از بین برود، متأسفانه سیستم آموزشی کشور نیز گرچه سال‌هاست بر مدار شناسایی استعداد سخن می‌گوید اما عملاً آنچه در مدارس نیز اهمیت دارد هوش تحصیلی است!

فرزند شما باهوش است اما او دارای هوشی است که شاید او را یک حسابدار قابل یا پژوهشگر و هنرمند قابل کند اما لزوماً او را جراح نکند! چه خوب است فرزندانمان را آنگونه که هستند بپذیریم نه آنگونه که کلیشه‌های ذهنی‌مان می‌گویند.

*آزاده سهرابی/روانشناس